



# حقوق جهانی بشر و کاوشهای فقهی

مجموعه آثار ۵

محمد تقی جعفری

سرشناسه: جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۷.

عنوان و نام پدیدآور: حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی / محمد تقی جعفری.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهري: ۶۹۴: ص.

فروش: مجموعه آثار؛ ۵.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۰-۸۷۶-۴-۲۵۰۰۰.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: بخش نخست کتاب حاضر، نخستین بار در سال ۱۳۷۰ با عنوان «تحقيق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر» توسط دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران منتشر و نیز در سال‌های دیگر، توسط مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری منتشر شده است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر

موضوع: حقوق بشر (اسلام و غرب)

موضوع: حقوق تطبیقی

موضوع: فقه

شناسه افزوده: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

ردیف‌بندی کنگره: BP ۱۳۹۲/۱/۲۲۰/۷۳

ردیف‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۴۸۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۸۲۱۸



جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه ملی

## مجموعه آثار ۵- حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی

نویسنده: محمد تقی جعفری

ناشر: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

بازبینی: علی جعفری - کریم فیضی - محسن صحراییان

تدوین و تنظیم: عبدالله نصری

تنظیمات رایانه‌ای: رؤیا عزیزی موسوی

طراح جلد: سعید عجمی

چاپ: ۵۰۰ نسخه

شمارگان:

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲

حق چاپ و نشر برای این مؤسسه محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۰۵۴۵۳ و ۰۴۰۰۵۴۵۳ نما بر: ۴۴۰۷۰۲۰۰

ISBN: 978-964-6608-76-4 / ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۰-۸۷۶-۴

[www.ostad-jafari.com](http://www.ostad-jafari.com) / [Info@ostad-jafari.com](mailto:Info@ostad-jafari.com)

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

## نمایه مطالب

۱۵	پیشگفتار ناشر
۱۷	<b>۱- حقوق جهانی بشر - تحقیق و تطبیق در دو نظام: اسلام و غرب.....</b>
۱۹	دیباچه
۲۵	سیری در تاریخچه حقوق بشر
۲۸	ریشه اول - اصول اولیه حقوق طبیعی
۲۹	ریشه دوم - ادیان الهی
۳۰	ریشه سوم - گیرنگی و تصریح رشدیافتگان
۴۴	اعلامیه حقوق و تکالیف بشر
۴۴	الف - حقوق
۴۶	ب - تکالیف
۵۳	<b>دو مسئله مهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر</b>
۵۳	مسئله یکم - ارزش انسانی اعلامیه و کاربرد آن
۵۶	مسئله دوم - انگیزه اصلی تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر
۶۵	تفسیر در حوزه ارزش‌ها، نخستین حق انسان
۶۹	بورسی انگیزه‌های تدوین حقوق بشر
۸۱	انگیزه وضع حقوق جهانی بشر اسلامی
۸۷	اقسام شخصیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی
۹۰	مشترکات شخصیت‌ها از دیدگاه اسلام
۹۱	ضرورت عامل ماورای طبیعی برای رشد و تکامل واقعی
۹۱	مسئله یکم
۹۲	مسئله دوم
۹۷	<b>موضوعات ارزشی برای تثیت اعلامیه؛ تعریف و اثبات</b>
۹۷	مقدمه
۱۰۰	۱- انسان
۱۰۲	۲- حیثیت ذاتی انسان‌ها
۱۰۴	۳- اعضای خانواده بشری
۱۰۶	۴- برابری و برابری
۱۰۹	۵- روابط دوستانه
۱۱۰	۶- روح بشریت
۱۱۰	۷- حقوق یکسان
۱۱۱	۸- آزادی
۱۱۳	۹- صلح
۱۱۴	۱۰- عدالت

۱۱۵	۱۱۵	۱۱- بالاترین آمال بشری
۱۱۶		۱۲- عقل و وجودان
۱۱۷		۱۳- حیات
۱۱۸		۱۴- عقیده
۱۱۹		۱۵- ایمان ملل متحد
۱۱۹		۱۶- احترام جهانی
۱۲۰		۱۷- حُسن تفاهم مشترک
۱۲۰		۱۸- أعمال وحشیانه
۱۲۲		۱۹- عصیان
۱۲۲		۲۰- مجاهدت
۱۲۳		۲۱- حد اکمل رشد
۱۲۵		۲۲- رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی
۱۲۵		بقا در قرن بیست و یکم
۱۲۵		مقدمه
۱۲۹		بیانیه و نکور در مورد بقا در قرن بیست و یکم
۱۲۹		الف - بشر در مقابل مسئله بقا
۱۳۰		ب - ریشه‌های مسئله
۱۳۱		ج - دیدگاهی دیگر
۱۳۳		بررسی و نقد بیانیه و نکور
۱۳۳		آیا راه بشر در زندگی، منحصر به پرستش‌های زر، قدرت و شر بوده است؟
۱۳۶		چه باید کرد؟
۱۴۱		<b>عوامل و انگیزه‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام</b>
۱۴۳		بررسی حقوق جهانی بشر در عصر ظهور اسلام
۱۴۷		اصول مشترک انگیزه‌های وضع و تدوین حقوق بشر
۱۴۷		اصول یا حقوق پنج گانه بنیادین
۱۴۸		تفاوت و امتیازات اساسی
۱۵۰		امتیاز دینی بودن حقوق بشر اسلام بر حقوق بشر غرب
۱۵۵		<b>مکلفین به اجرای حقوق جهانی بشر</b>
۱۵۵		۱- مکلفین حقوق بشر غرب
۱۵۵		الف - مردم ملل متحد
۱۵۵		ب - تمامی مردم و کلیه ملل
۱۵۵		ج - سازمان ملل متحد
۱۵۵		د - دولتهای عضو
۱۵۵		ه - ارکان اجتماع
۱۵۶		۲- مکلفین حقوق بشر اسلامی

۱۵۷	حقوق بشر در اسلام و تکلیف ایفا و اجرای آنها
۱۶۱	ارتباط مشروط بودن حقوق و آزادی ها با جهان بودن
۱۶۳	مشروط بودن حقوق و آزادی ها در اسلام
۱۷۳	نتیجه کنفرانس اسلامی حقوق بشر در اسلام در قاهره
۱۷۸	تطبيق ماده های دو اعلامیه
۱۸۱	اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلام
۱۸۱	۱- حق حیات
۱۸۵	۲- حق کرامت
۱۸۸	۳- حق تعلیم و تربیت
۱۹۰	۴- حق آزادی مسئولانه
۱۹۵	۵- اصل مساوات
۱۹۹	اعلامیه حقوق بشر غرب
۲۰۹	مواد حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب: تطبیق و مقایسه
۲۰۹	ترتیب بحث و تحقیق
۲۱۱	یک اصل اساسی: حیات شایسته و مبانی حقوق بنیادین
۲۱۴	حیات؛ دیدگاه مذهب و احساسات پاک
۲۱۶	حق حیات شایسته با توجه به قواعد و نصوص اسلامی
۲۲۶	پاسخ کلی به اعتراض بر قانون قصاص
۲۲۹	حیات در ارتباط با انسان
۲۳۰	حیات در ارتباط با خدا
۲۳۳	مقایسه و تطبیق حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب
۲۳۳	۱- حق حیات شایسته
۲۴۷	۲- اصل کرامت انسانی
۲۴۷	۳- حق کرامت انسانی
۲۴۸	کرامت ذاتی
۲۴۹	کرامت ارزشی عالی
۲۵۳	برخورداری از حق کرامت در مقابل رعایت آن برای دیگران
۲۵۷	ترتیب درجات در برخورداری از حق کرامت و شرف
۲۶۲	تقوا پیشگان
۲۶۴	نگاهی به یک تنافض
۲۸۷	۳- اصل تعلیم و تربیت
۲۹۷	۴- اصل آزادی مسئولانه
۲۹۷	آزادی، اقسام آن و معنای اختیار
۲۹۹	تفاوت های آزادی و اختیار
۳۰۰	حق آزادی و حق اختیار

## ۶ مجموعه آثار ۵ - حقوق جهانی بشر و کاوش‌های فقهی

۳۰۲	حق اختیار.....
۳۰۲	حق آزادی در اسلام.....
۳۰۲	۱- آزادی عقیده.....
۳۰۵	خلاصه‌ای از اعتقادات.....
۳۱۱	۲- آزادی اندیشه.....
۳۱۲	راه حلی برای آزادی اندیشه.....
۳۱۳	۳- آزادی بیان و تبلیغ.....
۳۱۴	نتایج آزادی نامعقول بیان.....
۳۱۸	آزادی بیان و تبلیغ از دیدگاه اسلام.....
۳۲۲	محدودیت آزادی بیان.....
۳۲۳	آزادی مطلق یا آزادی معقول در بیان؟.....
۳۳۰	۴- آزادی رفتار.....
۳۳۴	۵- آزادی از هر نوع بردگی.....
۳۳۹	نتیجه آزادی از هر نوع بردگی.....
۳۴۸	آیا مشروط ساختن آزادی‌ها، متفکر کننده آن است؟.....
۳۶۷	۵- تساوی‌ها و اتحادها.....
۳۶۷	اصل مساوات.....
۳۶۹	اتحاد.....
۳۷۰	تساوی‌های دوازده‌گانه.....
۳۷۱	نوع یکم - تساوی در ارتباط با خالق.....
۳۷۱	نوع دوم - تساوی در حکمت هدف نهایی.....
۳۷۲	نوع سوم - تساوی در شایستگی دمیده شدن روح الهی.....
۳۷۲	نوع چهارم - تساوی در کاشته شدن بدزهای معرفت در درون.....
۳۷۲	نوع پنجم - تساوی در عامل کمال متن کلی ادیان الهی.....
۳۷۳	نوع ششم - تساوی در کرامت ذاتی.....
۳۷۳	نوع هفتم - تساوی در استعداد تحصیل کرامت ارزشی اکتسابی.....
۳۷۳	نوع هشتم - تساوی در هدف‌گیری‌های کلی.....
۳۷۴	نوع نهم - تساوی مبدأ در خلقت انسان‌ها.....
۳۷۴	نوع دهم - تساوی در ماده اصلی خلقت.....
۳۷۵	نوع یازدهم - تساوی در ماهیت و مختصات همه انسان‌ها.....
۳۷۶	نوع دوازدهم - تساوی در حقوق.....
۳۷۶	اتحادهای سه‌گانه.....
۳۷۶	نوع یکم - اتحاد فراتر و برتر از وحدت‌ها و کثرت‌های طبیعی.....
۳۷۷	نوع دوم - اتحاد ناشی از جاذبه کرامت ارزشی اکتسابی.....
۳۷۷	نوع سوم - تشکل گروهی.....

## ۲-تعبد و تعقل در فقه اسلامی

۳۹۰	مقدمه
۳۹۱	تعبد و تعقل در فقه اسلامی
۳۹۱	مبحث بکم. تعریف تعبد
۳۹۲	تعقل مبنی بر تعبد
۳۹۳	محوریت تعبد در قضایای تعقلی
۳۹۴	موضوعات و اصول پایه‌ای غیر قابل تعریف و اثبات عقلی و عملی
۳۹۵	مبحث دوم. تعریف تعقل
۳۹۵	اشتباه و ساده‌نگری در تعریف تعقل
۳۹۹	تعقل در تفکر اسلامی
۴۰۰	عقل از دیدگاه آیات
۴۰۲	عقل از دیدگاه روایات
۴۰۴	مفهوم از عقل چیست؟
۴۰۶	آیا عقل می‌تواند در احکام اسلامی دخالت کند؟
۴۰۷	تقسیم‌بندی احکام اسلامی
۴۰۷	قسم اول از احکام اسلامی: بیان کیفیت رابطه میان انسان و آفرینش‌جهان
۴۱۰	قسم دوم از احکام اسلامی: احکام مربوط به انسان در جهان طبیعت
۴۱۱	۱. احکام روابط فرد با جهان طبیعت
۴۱۳	۲. احکام مربوط به انسان
۴۱۸	عدم تعارض احکام اسلامی با عقل
۴۲۱	<b>۳-اصول و قواعد فقهی</b>

۴۲۲	اصول و قواعد فقهی
۴۲۲	مقدمه
۴۲۲	احکام‌داری زندگی دنیوی
۴۲۷	اصول و قواعد فقهی مبتنی بر دریافت‌های فطری، قضایای عقلی و بنای‌های عقلانی، و تبیین‌کننده کلیات
۴۲۸	تکالیف و حقوق زندگی دنیوی و اخروی
۴۲۸	قسم اول - نمونه‌ای از قواعد عامه
۴۳۸	قسم دوم - نمونه‌ای از قواعد خاص
۴۳۸	یک - اصول و قواعد قضایی
۴۳۸	دو - اصول و قواعد قصاص، حدود، دیات
۴۴۰	سه - اصول و قواعد حقوقی به طور عام
۴۴۵	دو نتیجه بسیار مهم
۴۴۷	<b>۴-قاعده لا ضرر ولا ضرار</b>
۴۴۸	قاعده لا ضرر ولا ضرار
۴۴۸	مقدمه

۴۴۹	دلیل یا اماره
۴۵۰	عمومیت مقادّ دلیل
۴۵۰	احکام کلّی
۴۵۰	قواعد یا اصول مُحرز شده
۴۵۱	اصل
۴۵۱	چند مثال از قواعد
۴۵۲	قاعدة الازم
۴۵۳	قاعدة تلازم میان مالکیت شیء و اقرار درباره آن
۴۵۳	قاعدة اقرار
۴۵۴	قاعدة ید
۴۵۴	قاعدة علی الید
۴۵۵	قاعدة ضمان مثابی به مثابی و قیمی به قیمی
۴۵۵	قاعدة فراغ و تجاوز
۴۵۶	قاعدة تلف پیش از قبض
۴۵۷	قاعدة «لا ضرر و لا ضرار»
۴۵۸	قاعدة «نفی حرج» و مدرک فقهی آن
۴۵۹	معنای حرج
۴۶۰	تفاوت «ضرر» با «حرج»
۴۶۱	نفی حرج و تکلیف
۴۶۱	قانون کلّی در موارد تراحم حرج و ضرر
۴۶۱	منابع فقهی «لا ضرر و لا ضرار»
۴۶۲	دلالت قرآن
۴۶۶	دلیل عقل
۴۶۶	انواع ضرر به خویشتن
۴۶۷	دلیل سنت
۴۶۹	اجماع
۴۶۹	اقسام ضرر
۴۶۹	۱- اقسام ضرر با توجه به حقیقت آن
۴۷۰	۲- اقسام ضرر با توجه به شخص منضر
۴۷۰	۳- اقسام ضرر با توجه به علل و انگیزه‌های آن
۴۷۰	الف- ضررهای ناشی از جریان قوانین طبیعی
۴۷۱	ب- ضررهای ناشی از خود انسان‌ها به یکدیگر
۴۷۲	ج- ضررهای ناشی از مقررات و قوانین موضوعه برای زندگی فردی یا اجتماعی
۴۷۴	د- ضررهای ناشی از تراحم حقوق

**۵- طهارت اهل کتاب**

۴۷۸	طهارت اهل کتاب
۴۷۸	طهارت از نظر حکم اولی
۴۷۹	طهارت از نظر موضوعی
۴۷۹	مسئله طهارت اهل کتاب از نظر قرآن مجید
۴۸۱	معنای نجس (با فتح جم)
۴۸۲	بررسی آیه: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ...»
۴۸۴	تفسیر بعضی از آیات
۴۸۵	انجیل یوحنا و توحید
۴۸۷	مسئله طهارت اهل کتاب از نظر فقهاء
۴۸۷	روایات مورد استدلال
۴۹۰	روایات دلالت‌کننده به طهارت
۴۹۲	تأثیید طهارت اهل کتاب با ادله دیگر
۴۹۲	طهارت سایر ملل اسلامی و غیر اسلامی
۴۹۷	<b>۶- ذبایح اهل کتاب</b>

۴۹۸	ذبایح اهل کتاب
۴۹۹	اجماع
۴۹۹	روایات
۵۰۲	علت و جو布 نام بردن خدا به هنگام ذبح
۵۰۲	دیدگاه فقهای چهارگانه عامه
۵۰۵	<b>۷- حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات</b>

۵۰۶	حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات
۵۰۶	۱- انواع حیوانات مأکول اللحم دریابی
۵۰۸	۲- انواع پرندگان مأکول اللحم
۵۰۸	۳- انواع حیوانات مأکول اللحم خشکی
۵۰۹	۴- اصل اولی در حیوان و گوشت
۵۱۱	<b>۸- عدم انحصار زکات در مواد نه گانه</b>

۵۱۲	عدم انحصار زکات در مواد نه گانه
۵۱۲	مقدمه یکم - تربیت افراد برای درک قوانین اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌ها
۵۱۴	مقدمه دوم - پرداخت زکات وظيفة اجتماعی، یا وسیله گداپروری؟!
۵۱۵	مقدمه سوم - طرح بحث
۵۱۵	معنای لغوی و اصطلاحی زکات
۵۱۶	اتفاق در قرآن
۵۱۷	لزوم پرداخت مال به نیازمندان
۵۱۸	کلمه اتفاق

۵۱۸	عموم یا اطلاق آیات.
۵۱۹	ریشه‌کن کردن فقر در سطح جهانی
۵۲۰	آیات مربوط به علت و نتیجه پرداخت‌های مالی
۵۲۲	علل و نتایج انفاق در آیات یادشده
۵۲۲	۱- پاداش الهی
۵۲۲	۲- وعده عذاب بر عدم انفاق
۵۲۲	۳- اجتناب از اختلاف اجتماعی و فردی، و پیشگیری از فقر و بینوایی
۵۲۲	توضیحی درباره آیه مبارکه: «وَ لَا تُنْقِلُوا بِأَيْدِكُمْ إِلَى الْتَّهَلُكَةِ»
۵۲۶	نتیجه انفاق، حفظ موجودیت توانگران، یا تحکیم اوضاع اجتماعی؟
۵۲۹	مواد زکات
۵۲۹	دلایل عدم انحصار مواد نه گانه
۵۳۴	حقوق ملحق به زکات
۵۳۶	زکات فطر
۵۳۷	<b>۹- گیفر سرفت در اسلام</b>
۵۳۸	مقدمه
۵۳۹	مجازات سرفت در اسلام
۵۴۱	حد و تعزیر
۵۴۲	۱- حد.
۵۴۲	۲- تعزیر
۵۴۳	شرایط تحقق سرفت و اجرای حد
۵۴۳	۱- مالیت
۵۴۳	۲- نصاب
۵۴۳	۳- نداشتن حق در مال
۵۴۴	۴- عدم شرکت در مال
۵۴۴	۵- نبودن عنوان امانت
۵۴۴	۶- وجود حرز
۵۴۴	۷- ریودن پنهانی
۵۴۴	۸- مبادرت کامل
۵۴۴	۹- نبودن عنوان فریب
۵۴۴	۱۰- عدم عنوان ابوقت
۵۴۴	۱۱- علم به حکم و موضوع
۵۴۵	۱۲- تحقق مادی سرفت
۵۴۵	۱۳- بلوغ به سن قانونی
۵۴۶	۱۴- اعتدال روانی
۵۴۶	۱۵- اختیار

۱۶- عدم اضطرار عمومی.....	۵۴۷
۱۷- حصول مالکیت بر مال مسروق از ناحیه سارق.....	۵۴۸
۱۸- توبه قبل از محاکمه.....	۵۴۸
۱۹- اقرار به سرقت نزد حاکم و .....	۵۴۸
۲۰- ارعاب سارق .....	۵۴۸
۲۱- اثبات سرقت با اقرار صریح سارق.....	۵۴۸
۲۲- اثبات سرقت مبتنی بر غیر اقرار متهم .....	۵۴۸
۲۳- اجرای حد، موقوف به مطالبه مالک مال مسروق است.....	۵۴۸
۲۴- بازداشت متهم از اقرار صریح .....	۵۴۹
۲۵- عروض شبہه موضوعی و حکمی .....	۵۴۹
۲۶- مسائل مربوط به ارکان تشکیل دهنده و فروع سرقت .....	۵۴۹
نتیجه‌گیری .....	۵۴۹
تکمله .....	۵۵۰
<b>۱۰- حرمت سقط جنین .....</b>	<b>۵۵۳</b>
خلاصه‌ای درباره ابتدای خلقت انسان .....	۵۵۴
ادله حرمت سقط جنین پس از استقرار در رحم .....	۵۵۷
مقتضای اصل .....	۵۶۰
مسئله یکم - آیا ترس از معیشت، مجوز سقط جنین است؟.....	۵۶۰
مسئله دوم - برطرف کردن موانع قانونی اختلاط زن و مرد، مانند تجویز سقط جنین .....	۵۶۲
تنظيم مواد معیشت و جمعیت از دیدگاه اسلام .....	۵۶۳
امکان تنظیم و هماهنگ ساختن مواد معیشت و جمعیت روی زمین .....	۵۶۵
<b>۱۱- مسئولیت مدنی فاشی از جرم کودکان بزهکار .....</b>	<b>۵۶۷</b>
مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار در فقه و حقوق اسلامی.....	۵۶۸
تاریخ توجه به مسئولیت و تأدیب کودکان .....	۵۶۸
مقدمه یکم .....	۵۶۸
مقدمه دوم .....	۵۶۹
مسئولیت مدنی ناشی از جرم در مورد کودکان بزهکار در حقوق اسلامی .....	۵۷۱
۱- مسئولیت به عنوان استحقاق کیفر ناشی از تکلیف.....	۵۷۱
۲- مسئولیت به عنوان استحقاق تأدیب .....	۵۷۳
مسئول بزهکاری کودکان کیست؟ .....	۵۷۵
مسئولیت رئیس خانواده.....	۵۷۵
مسئولیت دولت.....	۵۷۹
اختیارات دولت در کیفیت پیشگیری و تأدیب کودکان در حقوق اسلامی.....	۵۸۴
مسئولیت افراد مورد اعتماد جامعه.....	۵۸۵
لزوم چهار سازمان برای پیشگیری و اجرای تأدیبات مناسب.....	۵۸۶

۱- سازمان تربیتی ..... ۵۸۶
۲- سازمان بازرسی ..... ۵۸۶
۳- سازمان اکتشاف روانی ..... ۵۸۶
۴- سازمان تعیین کیفیت و کمیت تأدیب و تنبیه کودکان بزهکار و بر عکس ..... ۵۸۷
۳- مسئولیت به عنوان مشمول بودن به احکام وضعی (لزوم جبران ضرر و خسارت) ..... ۵۸۷
جبران ضرر و خسارت به طور مستقیم بر عهده کیست؟ ..... ۵۸۹
کمیت و کیفیت تنبیه کودکان بزهکار ..... ۵۹۰
نظام حقوق پیرو و مشکل حقوق کودکان ..... ۵۹۲
ضرورت انعقاد وجودان در نفوس کودکان ..... ۵۹۳
<b>۱۲- متن استفتائات ..... ۵۹۷</b>
بیماری‌های علاج‌ناپذیر بر مبنای قواعد پزشکی ..... ۵۹۸
علل و حشت از جهان پس از مرگ ..... ۶۰۳
۱- از دست دادن لذاید ..... ۶۰۳
۲- جهل به پیشامدهای پس از مرگ! ..... ۶۰۳
۳- ترس از خود مرگ! ..... ۶۰۳
انتقال دادن نطفه مرد به رحم زن ..... ۶۰۵
عمل قاضی به علم خود در قضاء ..... ۶۰۹
ماهیت طنز در فرهنگ دینی ..... ۶۱۷
<b>۱۳- بحثی درباره امر به معروف و نهی از منکر ..... ۶۳۹</b>
آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر ..... ۶۴۰
حکم بدیهی عقل سليم به ضرورت امر به معروف و نهی از منکر ..... ۶۴۳
راه اثبات عمل معروف و عمل منکر ..... ۶۴۶
راه‌های برانگیختن اراده و تقویت آن برای انجام شایستگی‌ها و اجتناب از ناشایستگی‌ها ..... ۶۵۲
<b>۱۴- حقوق حیوانات در فقه اسلامی ..... ۶۵۵</b>
نهاية آيات ..... ۶۶۳
نهاية روایات ..... ۶۷۱
نهاية نامها ..... ۶۸۱
نهاية کتابها ..... ۶۸۹

## هوالعظيم

### پیشگفتار ناشر

طرح موضوع حقوق بشر، با پیدایش انسان، از دیاد نسل، تشکیل اجتماعات همراه با ظهور علم و صنعت و مفاهیم جدید، تراالف زمانی دارد. در ابتدای ظهور انسان، به لحاظ تعداد جمعیت و وسعت کره زمین، ضرورت طرح موضوع حقوق بشر، همچون تعریف خود انسان، کم‌اهمیت بوده است، ولی با افزایش جمعیت و تشکیل جوامع مختلف، مفهوم بشر و حقوق مربوط به او، مورد توجه دانشمندان و حقوق‌دانان قرار گرفته است. شاید رتبه وجودی و میزان رسالت و وظایف انسیا در طی تاریخ هم با این موضوع مرتبط باشد. پیامبر اسلام خاتم انبیاء<sup>علیه السلام</sup>، معادلات حقوقی انسان‌ها را برای زمان خود تا قیامت ارائه نموده، معتقد است که این قوانین به نحوی با ذات انسان و هدف‌گیری‌های مبدع اصلی سازگاری دارد.

در این مجموعه، استاد محمدتقی جعفری با جهان‌نگری خاص خود، ضمن تعریف مفهوم انسان و بشر در ازمنه مختلف، به حقوق و تکالیف او در ارتباط با دیگران و حق تعالی می‌پردازد. او نخست اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل و دیگر اعلامیه‌هایی را که در نهایت به این اعلامیه منجر می‌شود، به دقت بررسی نموده و پس از بیان انگیزه‌های تدوین آن، با مراجعه به آیات قرآنی و روایات، حقوق بشر از دیدگاه اسلامی را ارائه می‌کند.

ایشان معتقد است که از دیدگاه اسلامی، هر انسانی، حق حیات شایسته، حق کرامت ذاتی، حق کار و فعالیت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات در مقابل قوانین را دارد. این حقوق از آن‌جا ناشی می‌شود که انسان قابلیت خلافت الهی را دارد و به همین منظور خلق شده است. انسان می‌تواند همچون رسول خدا<sup>علیه السلام</sup>، جامع و منعکس

کنندهٔ کلیه اسامی او باشد. مبنای اصلی این حقوق از آن جاست که بنا بر فرمول فراگیر قرآن، «همه = ۱ و ۱ = همه» است:

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ يَهُودَ إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أُوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَانَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَخْيَاهَا فَكَانَنَّا أَخْيَا النَّاسَ جَمِيعًا.<sup>۱</sup>

واز این جهت بود که ما بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم هر کس انسانی را بدون عنوان قصاص یا افساد در روی زمین بکشد، مانند این است که همه انسان‌ها را کشته است، و هر کس انسانی را احیا کند، مانند این است که همه انسان‌ها را احیا نموده است.

از لحاظ فیزیکی، انسان اگرچه موجودی متشخص و محدود است، ولی از بُعد الهی، او مجموعه‌ای بی‌نهایت است، زیرا قابلیت عروج به بالاترین مقامات را دارد.

نویسنده در بخش اول این مجموعه می‌کوشد که اثبات کند حقوق ششگانه یادشده از دیدگاه اسلامی، امری ذاتی بوده، کرامت و شرافت ذاتی انسان‌ها، چنین حقوقی را برای او الزام‌آور می‌نماید.

وی در مقایسه حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام با اعلامیه حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب، موادی جامع و پویا را ارائه می‌کند و در قسمت‌هایی از این مجموعه، به صورت مفصل نشان می‌دهد که حقوق جهانی بشر سازمان ملل نتوانسته است برای مواد ارائه شده، شاخص‌های مبنایی را به اثبات برساند. در این اعلامیه، معلوم نیست چرا بشر باید چنین حقوقی را دارا باشد و این که چگونه به صرف انسان بودن، این حقوق و مواد قابل اعطای به اوست.

بخش بعدی اثر حاضر، شامل کاوش‌های فقهی استاد جعفری است. ایشان نخست تعبید و تعقل در فقه اسلامی را از دیدگاه جدید و بدیع مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که بر خلاف تصور عامیانه، تعبید، مبتنی بر تعقل است. وی ابتدا دو مفهوم تعبد و تعقل را تعریف نموده و می‌گوید: «هر اندیشه‌ای که با پیروی از اصول و قوانین ثابت شده به جریان بیفتند، تعقل نامیده می‌شود». سپس دو نوع احکام اسلامی را بیان می‌کند:

۱- احکامی که به بیان کیفیت رابطه میان انسان و آفریننده جهان هستی که خود جزئی

۱- سوره مائدہ، آیه ۳۲.

از آن است، می‌پردازد.

۲- احکامی که مربوط به انسان در جهان طبیعت یا انسان‌های دیگر است.

ایشان با ارائه مستندات قرآنی و روایی اثبات می‌کند که هر دو نوع احکام، تعارضی با عقل ندارند و تعبد در عبادات حتماً به دلایل قاطعانه عقلی مستند است. به اعتقاد او: فقه اسلامی برای مدیریت حیاتِ دنیوی و اخروی‌آدمی در مسیر به ثمر رساندن شخصیت رو به کمال او وضع شده است.

در بخش‌های پایانی این مجموعه، چند اصل و قاعدة مهم فقهی که در جوامع فعلی مورد نیاز است، بررسی و تحلیل شده است: اصول و قواعد فقهی، قاعدة لا ضرر و ضرار، طهارت اهل کتاب، ذبایح اهل کتاب، حلیت و حرمت گوشت انواع حیوانات، عدم انحصار زکات در مواد نه گانه، حرمت سقط جنین، کیفر سرقت، مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار، امر به معروف و نهی از منکر، و در پایان، حقوق حیوانات در اسلام، از جمله موضوعات مهمی هستند که از دیدگاه ایشان ارائه شده است.

این مجموعه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان جهان‌بینی قرآن کریم را که همان گزاره‌های هستی‌شناسانه است، در قواعد حقوقی و فقهی که همان گزاره‌های هستی است، در نظر گرفت. چه، بیشتر آیات قرآن، مربوط به آیات جهان‌بینی و درصد کمی از آن، مربوط به آیات حقوقی و فقهی است.

محمد تقی جعفری با گستره ذهنی و مطالعات وسیع و دقت نظر خود، توانسته است حقوق و فقه اسلامی را از عینک جهان‌بینی و جهان‌نگری قرآن ارائه کند و استفتائات و پاسخ‌های ایشان، این روش بدیع و اسلامی ایشان را نشان می‌دهد.

موسسهٔ نشر علامه جعفری



۱

## حقوق جهانی بشر

تحقيق و تطبيق در دو نظام: اسلام و غرب

### توماس پین:

اکنون که صحنه‌های جنگ پایان یافته، و هر کس به امید زندگی بهتر به خانه‌اش برمی‌گردد، من نیز اجازه می‌خواهم به این مطلب پایان دهم. وقایع آمریکا را از ابتدا تا انتها قدم به قدم با شوق و صمیمیت دنبال کردم و از این پس در هر کشور و سرزمین دیگر باشم، به خاطر سهمی که در این امر مهمن (آزادی و استقلال آمریکا) به عهده گرفتم و شرافتمندانه انجام دادم، افتخار خواهم کرد و طبیعت و خدای بزرگ را شاکرم که در من این نیرو را نهاد تا بتوانم به عالم بشریت خدمت کنم».

\*\*\*

ولی آقای توماس پین! افسوس!

افسوس که [در اثر] آزادی و پیشرفتی که شما در بنیان نهادن شان در آن سرزمین رحمت کشیدی، امروز قدرتمندانی قدرت پرست آن سرزمین راهوای سلطه‌گری بر همه روی زمین و سلب آزادی مردم به سر زده است.

از دستنوشته‌های علامه محمد تقی جعفری

## دیباچه

تعريف انسان، نقش مبنایی در مقایسه دو سیستم حقوق بشر غربی و اسلامی دارد. آیا مفهوم انسان همان است که پیامبران آن را برای ما توصیف کرده و گفته‌اند: موجودی است دارای شرف و حیثیت و کرامت ذاتی که با حکمت بالغه خداوندی به وجود آمده و رهسپار یک هدف اعلاست که با مسابقه در «خیر» و «کمال» به آن هدف خواهد رسید، مگر این که خود انسان این ارزش را از خود منتفی بسازد و هر کس به این انسان اهانت کند و حقوق او را نادیده بگیرد، با مشیت خداوندی در مقام مبارزه برآمده است؟ یا انسانی که «توماس هابز»‌ها و «ماکیاولی»‌ها تعریف کرده و گفته‌اند: «انسان گرگ انسان است و هیچ حقیقت ارزشی در وجود انسانی واقعیت ندارد؟» و به عبارتی دیگر: انسان هیچ ارزشی را از خدا و هستی خارج از خویش ندارد، از این‌رو طبیعتاً خودخواه، خودکامه و نیرنگ‌باز است، و در عبارتی کلی‌تر: موجودی خودمحور است که منطقی جز این ندارد: من هدف، دیگران وسیله!

به نظر می‌رسد تبیین حقوق بشر منوط به بررسی موارد چهارگانه زیر باشد:

- ۱- انگیزه‌های وضع و تدوین حقوق جهانی بشر سازمان ملل متحد - همان‌گونه که در مقدمه آن آمده - لزوم شناسایی حقوق بشر است تا او را از تحریر و اهانت رها بسازد و هم‌چنین تحقیق آزادی، عدالت و صلح جهانی بر مبنای کرامت و حیثیت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق مساوی آن‌ها. بدیهی است که برای تحقیق واقعی چنین آرمان‌های انسانی، لزوماً باید شرف و کرامت ذاتی انسان اثبات شود، در صورتی که دانشگاه‌های دنیا هنوز برای اثبات شرف و کرامت، نه تنها اقدام صحیح علمی و فلسفی نمی‌کنند، بلکه متأسفانه نظریه «اصالت قدرت» از یک طرف و سلب قداست و شرف معنوی انسان‌ها به علت ابتدا فرهنگی و تحلیل‌های بی‌اساس در اصول بنیادین تاریخ، مانند مراحل سه‌گانه تاریخی پوزیتیویسم افراطی از طرف دیگر، روز به روز بیش‌تر تقویت می‌یابد، در حالی که

انسان از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان حقه الهی، مطابق آیه: «و ما تحقیقاً فرزندان آدم را تکریم نمودیم ...»<sup>۱</sup> دارای کرامت ذاتی و استعداد تکامل ارزشی والای است. بنا بر این دیدگاه، توصیه و دستور بر همه جوامع بشری درباره انسان مبنی بر این که باید حیثیت ذاتی، شرافت و کرامت انسانی مراعات شود، امری کاملاً منطقی است. از این‌جاست که حقوق جهانی بشر غرب برای تبدیل شدن به یک فرهنگ جهانی، نخست باید این حیثیت ذاتی و شرافت و کرامت را برای انسان‌ها اثبات کند و سپس انسان را از دیدگاه تفکرات ماقیاولی و اصالت قدرت یا اصالت نفع - که همه انسان‌ها را گرگ خورنده یکدیگر می‌داند - بیرون کرده و در جایگاه اصلی خود قرار دهد.

۲- مبنای حقوق بشر از دیدگاه غرب، همزیستی مساملت‌آمیز همراه با صلح و آزادی و عدالت در جوامع بشری است و البته کسی در «آرمان» بودن این مبانی تردیدی ندارد. اما چنان که مشاهده می‌کیم، مجرد ادعای ضروری بودن این مبانی با کمک گرفتن از احساساتِ فطری بشری، برآورنده نیازِ حقیقی انسان‌ها در به وجود آوردن دنیایی که همه افراد آن، خود را اعضای یک خانواده بدانند، نیست، زیرا چنین ادعایی باید بر یک مبنای بسیار عالی تر متکی باشد که از دیدگاه اسلامی «خداست»؛ یا حداقل برای ملزم ساختن همه کشورها، اعم از پیشرفت، عقب‌مانده، در حال پیشرفت، قدرتمند و ضعیف، برای پذیرش و عمل به حقوق جهانی مزبور، گریزی از این که به یک مبنای علمی قابل قبول همگانی استناد شود، نیست.

۳- تجارب تاریخی به خوبی اثبات کرده است که وضع و تدوین یک نظام حقوقی والا، مستلزم ضروری اجرای واقعی آن نبوده و نیست. علت عدمه این عدم اجرا، دو چیز است: یکی تبعیض، دیگری عدم آمادگی اجتماعی. از این‌رو، وضع و تدوین عالی‌ترین حقوق برای جامعه‌ای که افراد آن از نظر تعلیم و تربیت برای پذیرش و عمل به آن آمادگی نداشته باشند، به قول علامه جعفری: مانند ساختن یک کاخ بسیار مجلل و با شکوه در قله یک کوه آتشفشان است. بنابراین، ضروری است برای آماده کردن همه جوامع بشری برای پذیرش و اجرای واقعی حقوق جهانی، یک رشته اصول روانی و اخلاقی مشترک به همگان تعلیم داده

۱- سوره اسراء، آیه ۷۰.

شود. بی‌جهت نیست که اسلام برای تعلیم و تربیت اخلاقی انسان‌ها برای پذیرش و عمل به حقوق، عموماً اهمیت حیاتی قائل شده است.<sup>۱</sup>

۴- حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب، موضوع فضیلت و کرامت ارزشی برای انسان‌ها را نادیده گرفته و در هیچ یک از مواد این حقوق، امتیازی برای انسان‌های با فضیلت و با تقوا و با کرامت در نظر گرفته نشده است، ولی از دیدگاه اسلام، این امتیاز و اعلام آن برای تشویق انسان‌ها به تکامل و قرار گرفتن آنان در موقعیت‌های شایسته زندگی اجتماعی، ضرورت دارد. این به آن معنا نیست که اگر امتیازی به انسان‌های با فضیلت داده شد، اخلالی به حقوق دیگر انسان‌ها وارد شود؛ همان‌گونه که انسان‌های صمیمی‌تر، خردمندتر و آگاه‌تر، در همه جوامع انسانی از شایستگی انتخاب برای کارهای عالی تر برخوردار هستند، اسلام نیز با کمال صراحة این امتیاز را مطرح کرده است:

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها (گروه‌ها) و قبایل گوناگون قراردادیم تا در زندگی با یکدیگر هماهنگ شوید. محققًا با کرامت ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست.<sup>۲</sup>

حقّ حیات شایسته، حقّ کرامت، حقّ تعلیم و تربیت، حقّ آزادی مسئولانه و حقّ مساوات، قوانین و مبانی اصلی حقوق بشر اسلامی را تشکیل می‌دهند که در تطبیق با حقوق بشر از دیدگاه غرب، جامعیت بی‌نظیری را نشان می‌دهد.

\*\*\*

حقوق بشر در حقیقت، فریاد دیرهنگامی بود که بشر بعد از رنسانس، در پی خودیابی و بازگشت به خویشن سر می‌داد و بدون این که خود بداند، در صدد برآمده بود به آغوش گمشدۀ فطرت و دین‌جویی و اصالت برگردد، ولی هر چند قوانین حقوق بشری، تمام آفاق و اکناف عالم را در نور دید، اما هرگز جنبه دینی خود را بازنیافت! آری، جهان جدید با تمام متعلقاتِ راست و ناراستِ خود، درست از متن همین اندیشه شکل گرفت و فیلسوفان بزرگی چون کانت (Kant)، هگل (Hegel) و ولتر (Voltaire) هر کدام به گونه‌ای به تبیین اندیشه‌های جدید حقوقی بشر مدرن در قالب قواعد سیاسی و اجتماعی پرداختند و در این میان کانت

۱- بنگردید به: ارکان تعلیم و تربیت، محمد تقی جعفری.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۳.

سهمی عمدۀ داشت و در حقیقت پدر سازمان ملل به شمار می‌رفت. سخن کانت این بود: عقل عملی انسان حکم می‌کند ملت‌ها از حالت توحش طبیعی خود - که جنگ می‌آفریند - درآیند و برای حفظ صلح، پیمان بینند؛ هر چند راه به وجود آمدن جامعه ملل دشوار است، وظیفه‌است برای نگهداری «صلح پایدار جهانی» کار کنیم.

علامه جعفری از منظری دیگر، تطور چند جانبه غرب و حقارت شگفت‌آور شرق را در عبارتی کوتاه می‌نگریست و غرب را «غرب شرق» و شرق را «شرق غرب» می‌دانست. در واقع، از دیدگاه او «فرهنگِ مشترکِ بشری» خلاصه کردن شرق و غرب در چیزی به نام «بشریت» بود، و بازگشایی رمز چگونه زیستن قافله‌ای که در انسانیت نهفته بود.

ریشه‌های تأمل و توجه استاد محمدتقی جعفری به حقوق بشر غرب، به دهه ۴۰ خورشیدی برمی‌گردد و در جاهایی از تفسیر مبوسط وی به مثنوی جلال الدین محمد مولوی، گفتارهایی در این زمینه قابل ملاحظه است که نقدنگری موجود در آن‌ها، حاکی از روحی است که در صدد بازگشایی راهی بسته و مغلق برآمده است. چند سال بعد، همزمان با اوج گرفتن مباحث حقوق بشر در بسیاری از کشورهای اسلامی، او تئوری‌های خود را تحت لوای بحثی با عنوان «تطبیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب» ارائه کرد که برای نخستین بار، در درون خود - علاوه بر حقوق مرسوم غرب - از حقوق جدیدی به نام «حقوق بشر اسلامی» سخن گفت.

محمدتقی جعفری حقوق بشر از دیدگاه اسلام را با تلاش‌های دامنه‌دار خود، تدوین و تنظیم نمود و در مواد و عناصر آن از لحاظ حقوقی دقیق به کار برد که با اطمینان از استحکام آن مواد، در محافل رسمی ملی و بین‌المللی، قوّت حقوق بشر اسلامی را بیان نمود ... و این سرگذشت کوتاه و ناگفته مانده کتابی است که هم‌اکنون در پیش دید خوانندگان این اثر و پژوهشگران والاندیش قرار دارد.

به صورت خلاصه، این اثر، پرچمدار گفتمانی است که آغازگر آن، محمدتقی جعفری است؛ کسی که بر پایه مستندات خدشه‌ناپذیر عقلی و برهانی، به صحت و استواری انگاره خویش پای می‌فرشد و در عین حال، بدون کم‌ترین تعصب‌ورزی، پرونده بحث را هم‌چنان باز می‌داند.

اعضای کنفرانس اسلامی، پس از سال‌ها تحقیق برای تدوین سندی به عنوان اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام، در سال ۱۴۰۷ هجری مصادف با سال ۱۹۸۶ میلادی، متنی را آماده نموده، در سال ۱۴۱۰ هجری مصادف با سال ۱۹۸۹ میلادی در کنفرانس تهران ارائه نمودند. این‌جانب، متن اعلامیه را مطالعه نموده و پس از تحقیق، تذکراتی در حدود بیست و پنج مورد دادم که بیشتر آن‌ها در متن اعلامیه مطرح شد. این کنفرانس و تحقیقات مربوط به آن، سبب شد مباحثی را که از حدود پانزده سال پیش درباره اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب طرح کرده بودم، دوباره مورد بررسی و تحقیق قرار داده و سپس نتیجه آن‌ها را همراه با مباحث این کتاب - که تدوین و تحقیق آن حدود چهار سال به طول انجامید - به صورت مجموعه‌ای درآورم که در این تاریخ (۱۳۷۰ ه. ش) منتشر می‌شود.

در این کتاب، کوشش شده است که تنها مواد حقوق جهانی بشر از این دو دیگاه با تحلیل و بررسی در مشترکات و تفاوت‌های آن‌ها مطرح شود.



## سیری در تاریخچه حقوق بشر

حمد و ثنای بی پایان مر خدای راست که انسان‌ها را با دو نیروی با اهمیت عقل و وجودان بیافرید و آنان را به شرف معرفت و احساس تکلیف و شناخت حق و احترام و پذیرش آن دو در عرصهٔ تکاپو برای حیات تکاملی، تکریم و تمجید فرمود. درود بیکران بر همهٔ پیشوایان الهی که حرکت بر مبنای «حق» و «تكلیف» را برای آدمیان تفسیر و قابل درک ساخته و آن‌ها را به حرکت در مسیر حیات هدفدار توجیه نمودند.

پیش از ورود به مباحثِ اصلی کتاب، چهار مقدمه را به طور مختصر متذکر می‌شویم:

### مقدمهٔ یکم

این دیدگاه که: همه افراد بشر با داشتن اختلافات گوناگون در ابعاد جسمانی، روانی، فعالیت‌های مغزی و همچنین داشتن استعدادها و محیط‌های طبیعی و فرهنگی مختلف، ریشه‌هایی فراوان برای تساوی و هماهنگی و اتحادهای قابل توجه دارند، تاریخی بس طولانی دارد. این دیدگاه مهم، به نوبهٔ خود، از پذیرش صاحب نظران ژرف‌نگر و مصلحان راستین جوامع شرق و غرب، و نیز گذشته و حال برخوردار است. کسانی که بررسی و تتبع برای رسیدن به واقعیت این دیدگاه برای آن‌ها کاری دشوار است، می‌توانند از عناصر ادبی فرهنگ‌های گوناگون اقوام و ملل که به آسانی در کتابخانه‌های بزرگ وجود دارد، بهره برده و دیدگاه مذکور را استنباط و استخراج کنند. برای نمونه، مطلبی را نقل می‌کنیم که به عنوان یکی از صدھا جمله‌ای که تساوی، هماهنگی و اتحادهای انسان‌ها را در اصول کلی اثبات می‌نماید، دارای اهمیت است:

اندیشه‌های لطیف فلسفی و باورداشت‌های متعالی مذهبی، پا به پای خرافه‌گرایی و گمان‌های ساده‌لوحانه و کودک‌پسندانه، عموماً در افسانه‌ها منعکس‌اند. اسطوره‌ها، همانند

معدن‌های زغال سنگ، انبووه‌ی از زغال و رگه‌های الماس را، با هم و در هم دارند. از این‌رو، تا اسطوره‌کاوی، بنیاد افسانه‌ها را از شکل قصه‌گونه آن‌ها به واحدهای اولیه فکری به نخستین یاخته‌های تشکیل‌دهنده عقیدتی آن‌ها باز پس نکاود، ما هرگز به گوهرهای مکنون و پایدار لطایفِ اندیشهٔ بشری در بطن اسطوره‌ها پی نخواهیم برد. در حقیقت، صرف نظر از جنبهٔ تفریحی و لالایی‌گوینه افسانه‌ها، آن‌چه مطالعه در اسطوره‌ها را برای پژوهندگانِ رشد فکری فلسفی، برای تجلی جویانِ وجود بشری، برای مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، کارشناسانِ تطبیقی ادیان، آرمان‌شناسان و دیگر اندیشمندان علوم انسانی و ادبیات عامیانه، اجتناب ناپذیر می‌سازد، انگکاس وجود همین دیرین ترین ذخایر فکری و ناآگاهِ اقوامِ مختلف در اسطوره‌هاست.<sup>۱</sup>

اگر در این متن به عبارت «وجودان عام بشری» دقت کنیم، به این نتیجهٔ خواهیم رسید که یک عامل بسیار اساسی و یا یک استعداد پایدار، می‌تواند همه انسان‌ها را با یکدیگر هماهنگ کرده و آن‌ها را با تساوی داشتن در صدھا نیرو و فعالیت و پدیدهٔ مشترک، در یک نظام حقوقی جهانی متحدد کند. به عبارتی دیگر: اگر ما بتوانیم انسان‌ها را به حسب «وجودان»، «عقل عملی» و «فطرت»، مورد درک و دریافت قرار بدهیم، بی‌تردد، خواهیم دید «اندیشه‌های لطیف فلسفی و باورداشت‌های متعالی مذهبی»، و به عبارت کلی‌تر: رگه‌های الماس پایدار میان انبووه زغال سنگ‌های باستانی و گوهرهای مکنون و پایدار لطایف اندیشهٔ بشری، درست همان حقایقی هستند که امروزه نیز با همان واقعیت‌داری و تازگی و مورد نیاز بودن، به عنوان عالی‌ترین مبانی هماهنگی و اتحادهای بشری قابل پژوهش و تحقیق قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، اگر بخواهیم انسان‌ها را با اندیشه‌های خودمحور و خودکامگی‌هایی که داشته، دارند و خواهند داشت، در نظر بگیریم، خواهیم دید نه دیروز نه امروز و نه فردا، هیچ هماهنگی و اتحادی میان انسان‌ها قابل تصور نیست، زیرا اولین کار ویران‌گر اندیشه‌های خودمحور و خودکامانه، تلقین یک اصل تباہ‌کننده است: «من هدف و دیگران وسیله!» همین اصل، باعث از بین رفتن وجودان، عقل عملی و بالاتر از همه، «فطرت پاک» انسانی شده و این نتیجهٔ حاصل شده است: امکان ندارد دو انسان پیدا شوند که با کمال آزادی و از صمیم قلب و با توجه به واقعیت آن‌دو «آنچنانکه هستند»، از هماهنگی و اتحاد برخوردار باشند.

---

۱- آفریقا، افسانه‌های آفرینش، یولی بایر، ترجمهٔ ژا. صدیقی / ۱۷۷ و ۱۷۸.

## مقدمه دوم

بر خلاف این تصور که با تصویب هر دو اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، از طرف صاحب نظرانِ هر دو نظام حقوقی، بحث و تحقیق و انتقاد درباره این دو نظام حقوقی نیز به پایان رسیده و نباید کاری درباره آن‌ها انجام داد، با صراحت و اخلاص باید بگوییم: اکنون باید کارهای اساسی و همه‌جانبه‌ای در خصوص هر دو نظام حقوقی شروع شود و نخستین شرط به ثمر رسیدن این کار بسیار اساسی که حتی ممکن است سال‌ها به طول بینجامد، حقیقت‌طلبی و درکِ اهمیت تعیین حقوق و تکالیف و آزادی‌ها برای جوامع انسانی است. بی‌تردید، این امر از عهده هر کسی برنمی‌آید و نیازمند انسان‌شناسانِ صاحب‌نظر و ورزیده در علوم انسانی است؛ رشدیافتگانی که همه جوانب و ابعاد انسانی را بشناسند و تمامی اصول، فروع، شهوهات و خواسته‌های او را درک کنند؛ کسانی که سعادت جامعه به آنان مربوط باشد، ولی سعادت آنان نیازی به درک و پذیرش جامعه درباره آنان نداشته باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، با وجود این شرایط، جرأت بی‌محاسبه‌ای می‌خواهد تا انسان‌های معمولی ادعا کنند: ما می‌توانیم انسان را از همه جهات در هر دو قلمرو «آنچنانکه هستند» و «آنچنانکه باید باشند»، حتی در یک دوره و یک جامعه بشناسیم و برای او واقعی‌ترین حق‌ها و آزادی‌ها و تکلیف‌ها را مقرر کنیم. بر این اساس، تمام کوشش و تلاش ما بدون ادعای «این است و جز این نیست» باید صرف به دست آوردن بیش‌ترین معلومات در هر دو قلمرو «انسان آنچنانکه هست» و «انسان آنچنانکه باید باشد» گردد، که البته امکان‌پذیر است. پس از آن، نوبت به تحقیق لازم و کافی درباره بایستگی‌ها و شایستگی‌های مشترک انسان‌ها و آن‌چه که در آن‌ها تفاوت دارند، می‌رسد و آن‌گاه است که می‌توانیم نسبت به تهیه اعلامیه‌ای درباره حق‌ها، آزادی‌ها و تکالیف آن‌ها اقدام کنیم.

## مقدمه سوم

مثال واضحی داریم که برای توضیح وضع بشر در مقابل قوانین، بارها از آن استفاده کرده‌ایم. آن مثال چنین است: برای ساختن باشکوه‌ترین و باعظم‌ترین کاخ مجلل که نظیری در تاریخ نداشته باشد، متخصص‌ترین مهندس‌ها و آرشیتکت‌ها را جمع کنیم و از آن‌ها برای ساختن این، نقشه‌ای بخواهیم و آنان نیز خواسته‌ما را اجابت کرده و عالی‌ترین

نقشه را آماده کنند. آن‌گاه مطابق دستورهای آن متخصصان، بهترین و محکم‌ترین مصالح را تهیه کنیم و هنگامی که متخصصان بگویند همه چیز آماده و تکمیل شده، حال، مکانی را که کاخ باید ساخته شود، به ما نشان بدھید تا نقشه را پیاده کنیم، متخصصان را سوار خودرو کنیم و به دامنه یک کوه آتشفسان برده، به آنان بگوییم: ساختمان باید در قله همین کوه آتشفسان ساخته شود؛ خصوصاً که دود و گاز و دیگر علائم آتشفسانی نیز در حد تهدید هستند!! در چنین معادله‌ای گمان نمی‌رود متخصصان سخنی جز این داشته باشند: «آیا در اینجا آمبولانس بیمارستان روانی هم پیدا می‌شود؟»

اکنون می‌توانید این مثال را به کاخ‌های مجلل حقوقی امروز دنیا تشبیه کنید که آشکارا بر فراز قله‌های آتشفسان درون هوي پرستان و خودکامگان و قدرت‌طلبان سلطه‌جو - که متأسفانه بيش تر مردم انسان‌نما را تشکيل می‌دهند - بنا شده است. از اين‌رو، با صراحة می‌گوییم: تا زمانی که يك تعلیم و تربیت صحیح بر مبنای اصول عالی انسانی، آتشفسانی‌های درون مردمان خودمحور و سودپرست و لذت‌گرا را خاموش نسازد و وجود آن‌ها را به زمین‌های قابل کشت اصول حقوق انسان‌ساز مبدل نکند، محال است این قبیل نظام‌های حقوقی، و حتی عالی‌تر از آن‌ها، از عهده وارد کردن جوامع بشری به عرصه «حيات معقول» برآیند؛ خصوصاً با تبعیض‌های اسفانگیزی که در اجرای این حقوق‌ها دیده می‌شود.

#### مقدمه چهارم

این مقدمه، به بازکاوي ريشه‌های اصلی حقوق جهانی بشر به طور عام اختصاص دارد. به طور کلی، حقوق بشر دارای سه ريشه است:

##### ريشه اول - اصول اوليه حقوق طبیعی

به احتمال زياد، از آن هنگام که بشر به مختصات حياتي و روانی مشترك در ميان افراد همنوع خود آگاهی پيدا کرد و ضرورت زندگی اجتماعي را به خوبی درک نمود، به اصول اوليه حقوق طبیعي خود (حقوق فطری) به معنای حقیقی پی برد. ملاک اصول اوليه حقوق طبیعی عبارت است از: «صیانت و تنظیم حیات انسانی» در دو بعد اساسی زیر:

بعد يکم - حیات طبیعی محض

بعد دوم - حیات مطلوب (حیات معقول)

نخستین اصلی که حیات طبیعی انسان‌ها به عنوان حق طبیعی واجد آن است، «حق حیات» است که همه ادیان الهی و حقوق و قوانین بشری، به طور کامل آن را به رسمیت شناخته‌اند.

اما حیات مطلوب از سلسله حقوق طبیعی، دارای چهار اصل اساسی است که عبارتند از: حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه، حق مساوات در مقابل قوانین.

#### ریشه دوم - ادیان الهی

چون که مبنای ادیان الهی، رساندن نفوس انسانی به رشد و کمال در زمینه فطرت پاک اوست، بنابراین، خداوند سبحان اصول اولیه حقوق فطری را به وسیله ادیان و ارسال رسولان به مردم ابلاغ کرده است. قوم اصلی حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> که پیرو حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> می‌باشند، بر این عقیده‌اند:

موسی<sup>علیه السلام</sup> در شریعت خود، آن قانون ازلی و ابدی را می‌بیند که جهان هستی به وسیله آن حرکت می‌کند. شریعت موسی<sup>علیه السلام</sup> قانون طبیعی است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که در مباحثت بعدی خواهیم دید، اصول پنجمانه حقوق طبیعی انسان (حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات)، جملگی به اصیل‌ترین منابع اسلامی مستندند که جامع همه ادیان الهی است و این استناد، در همین کتاب به وضوح اثبات خواهد شد.

آن چه از دیدگاه ادیان، عامل رشد و کمال انسان‌هاست، عبارت است از پذیرش و عمل

۱- الآراء الدينية والفلسفية، فیلون الاسكندری، امیل بربیه، ترجمه محمد یوسف موسی و عبدالحليم نجار / ۲۹ باشد توجه داشته باشیم که در این مباحثت، منظور از حقوق طبیعی و حقوق فطری، یکی است، زیرا معنای فطرت در این مورد، همان خلقت اصلی انسانی و استعدادها و خواسته‌های مربوط به آن هاست. بنابراین، مغایرتی میان این دو اصطلاح نیست. از این جاست که می‌گوییم: حقوق طبیعی دارای بُعد الهی است، و این که کنت مینوگ می‌گوید: «در انگلستان، شاه و رعایا به سال ۱۶۴۲ از صحنه خارج شدند و رقابت و کشمکش طولانی رخ داد که تا سال ۱۶۶۸ پایان نگرفت. در آن هنگام جیمز دوم (پسر چارلز اول که در سال ۱۶۴۹ اعدام شده بود) به فرانسه گریخت، اما هنوز دم از حق الهی می‌زد و در همان سال، تا جایی که به انگلستان مربوط می‌شد، روشن شد که حقوق طبیعی، حقوق الهی را شکست داده است! می‌توان گفت: منظور مینوگ از «حق الهی»، همان حقی بود که پادشاهان و سلطه‌گران روزگاری گذشته درباره سلطنت و قدرت و سلطه خویشتن ادعا می‌کردند، نه حقوق الهی به معنای حقیقی که در حقوق طبیعی و فطری تجلی می‌کند.

[حقوق بشر- تاریخ اندیشه حقوق بشر / ۲۷]

به اصول حقوق طبیعی و دیگر قوانین صالحه برای حیات معقول بشری، با انگیزگی وجدان آزاد و کمال جوی انسانی، نه اجبار. به همین جهت است که می‌بینیم عمل به اصول حقوق طبیعی و دیگر قوانین صالحه مستند به وجود آزاد و کمال جو، در بر گیرنده عموم بشریت نبوده، همواره اقلیت‌هایی کم ولی پاک، وارسته و دارای صفات عالیه بوده‌اند که به عمل مزبور موفق شده‌اند، با این حال، چشمۀ اصول حقوق طبیعی هرگز در زندگی اقوام و ملل به کلی نخشکیده است. اصول طرح شده، با صراحت - چنان که در مطالب بعدی خواهیم دید - به عنوان اصول ثابت در اسلام قابل مشاهده است که علاوه بر این که منابع اولیۀ اسلام آن‌ها را بازگو می‌کند، متکران اسلامی نیز آن‌ها را آشکارا پذیرفته و مورد تصریح قرار داده‌اند. برای نمونه، این عبارت خواجه نصیر طوسی شایان دقت است:

و بباید دانست که مبادی مصالح اعمال و محاسن افعال نوع بشر که مقتضی نظام امور و احوال ایشان بود، در اصل، یا طبع باشد یا وضع. اما آن چه مبدأ آن طبع بود، آن است که تفاصیل آن مقتضای عقول اهل بصارت و تجارب ارباب کیاست بود و به اختلاف ادوار و تقلب سیر و آثار، مختلف و متبدل نشود، و آن، اقسام حکمت عملی است که یاد کرده آمد.<sup>۱</sup>

#### ریشه سوم - گیرنده و تصریح رشدیافتگان

بدیهی است ایده و آرمان اصلاح ارتباطات انسان‌ها با همنوعان خود، چه به مجرّد درک علت و انگیزه شایستگی و بایستگی تنظیم یک رشته مواد حقوقی برای کل جامعه بشری و چه به اضافه درک علت و انگیزه مزبور، اقدام عملی برای بیان مواد حقوق جهانی برای بشر، در مغز انسان‌های رشدیافتگان همواره وجود داشته است. متکران راستین، از دیرباز ضرورت و ارزش حیاتی «عدل» و «آزادی» و «صلح و صفاتی» انسان‌ها را در هر جا و از هر نژاد و دارای هر گونه مختصات دریافت‌هاند. روی همین درک و اقدام‌های متفرقه بوده که جملاتی رسا و سازنده، و موادی متفرقه به نام «اخلاق»، «حقوق» و «عناصر فرهنگی» در میان اقوام و ملل دیده می‌شود؛ به این معنی که: از قدیم‌ترین دوران تاکنون، در جوامعی که تا حدودی از تمدن برخوردار بوده‌اند، چهره جهانی انسان و اشتراک افراد و اصناف او به طور عموم در لذاید و آلام و خواسته‌ها و علل اصلی حقوق طبیعی در آشکال گوناگون اخلاقی، حقوقی و

۱- اخلاق ناصری، خواجه نصیر طوسی / ۴۰ و ۴۱.